

نظریه یادگیری سازنده گرای

لطیف شریفات^۱، عباس قلتاش^۲^۱دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه آزاد اسلامی واحد لامرد، sherifat.latif@gmail.com^۲دانشیار گروه علوم تربیتی واحد مرودشت، دانشگاه آزاد اسلامی، مرودشت، ایران، Gholtash578@yahoo.com

چکیده

ساختن گرای گفتمان نوینی در عرصه روان شناسی شناختی است که مفهوم زیربنایی آن این است که دانش توسط فراگیر ساخته می شود و در واقع این یادگیرنده است که با عنایت به دانش و تجارب پیشین خود موقعیت جدید را تفسیر کرده و دانش خود را می سازد. مفهوم ساختن گرای قدمت زیادی دارد و به کارهای سقراط و افلاطون و ارسطو برمی گردد اما ظهور آن به عنوان گفتمان مربوط به اواخر قرن بیستم و حاصل تلاش افرادی همچون پیاژه، برونر، ویگوتسکی و دیویی به عنوان معماران این نظریه شمار می رود. این رویکرد در عمل برتری خود را نسبت به رویکردهای سنتی آموزش نشان داده است. بسیاری سعی نموده اند که مفروضات ساختن گرای را در امر آموزش به کار ببرند که رویکرد مساله محور ویتلی وروش آزمایشگاهی ساندروز از نمونه های آن هستند. کلمات کلیدی: سازنده گرای، یادگیری، نظریه

مقدمه

نظریه ساختن گرای برخاسته از نسبیت گرای است. در فلسفه نسبت گرای، هر چیزی نسبت به چیز دیگر مورد قضاوت و داوری قرار می گیرد و هیچ چیز قطعی تلقی نمی شود. (سیف، ۱۳۸۷) رویکرد ساختن گرای بر معرفت شناسی ساختار گرای استوار است. این دیدگاههای معرفت شناسی حقیقت مستقل را انکار می کنند. با حداقل معرفت آن را غیر ممکن می دانند. حقیقت یک نظام منسجم تلقی می شود و نه مجموعه ای از حقایق جدا از هم. این فلسفه با فلسفه واقع گرای که زیر بنای برخی از نظریه های دیگر یادگیری، بویژه رفتار گرای است عمدتاً از این بابت تفاوت دارد که در فلسفه واقع گرائی دانش امری قطعی، ثابت و مستقل از یادگیرنده تصور می شود در حالی که در فلسفه نسبت گرای دانش وابسته به یادگیرنده و امری نسبی فرض می شود. لذا چنین تصور می شود که دانش وابسته به یادگیرنده است و در شرایط یکسان افراد مختلف ممکن است به آگاهی های متفاوتی برسند.

سازنده گرای چیست؟

سازنده گرای یک فلسفه یادگیری است که بر ساختن دانش توسط یادگیرندگان به صورت انفرادی یا اجتماعی اشاره دارد. سازنده گرایان از این اندیشه حمایت می کنند که دانش مستقل از معنی نسبت داه شده به تجربه، که یادگیرنده یا جامعه یادگیرندگان می سازند وجود ندارد. اساساً سازنده گرای نظریه ی مبتنی بر مشاهده و مطالعه علمی است درباره ی اینکه انسان چگونه می آموزد. این نظریه معتقد است که انسان ها فهم و دانش خود را با کمک جهان از طریق تجربه

نمودن اشیا و تفکر کردن درباره ی تجربیات میسازند. هنگامی که فرد با محرک های جدید مواجه می شود آنها را با اندیشه ها و تجربیات گذشته خود سازگار می کند و ممکن است که آنچه به آن اعتقاد دارد تغییر کند یا اطلاعات جدید را بی ربط تشخیص دهد و از آن دست بکشد. در هر حال فرد فعالانه دانش خود را خلق می کند. سازنده گرای مبتنی بر این فرضیه است که دانش به وسیله ی یادگیرندگان با تلاش در جهت فهم تجربیاتشان به صورت فعالانه ساخته می شود (عابدینی بلترک و همکاران ۱۳۹۳). آنها اطلاعات جدید را تفسیر و این اطلاعات را به ساختارهایی که از تجربه ی قبلی ایجاد شده مربوط می کنند. کسب دانش مستلزم تفسیر فعال به وسیله ی یادگیرندگان است تا روابط جدیدی میان ساختار های موجود ساخته شود. این فرایند برای یادگیری حل مسأله، استدلال، تفکر نقادانه استفاده ی فعال و متفکرانه از دانش ضروری است (فردانش و شیخی فینی، ۱۳۸۱)

اعتقاد پیروان این نظریه بر آن است که یادگیرندگان بر اساس تجارب شخصی خود دانش را می سازند و این کار را به طور فعال انجام می دهند. بنا به تعریف می توان گفت سازندگی به آن دیدگاهی گفته می شود که بر نقش فعال یادگیرنده از درک و فهم و معنی بخشیدن به اطلاعات تاکید می کند و نیز می توان گفت این دیدگاه معتقد است یادگیری معنی دار زمانی رخ می دهد که یادگیرندگان از اندیشه ها و تجارب خود، تفسیرهای شخصی به عمل آورند. (سیف، ۱۳۸۰)

در رویکردهای ساختن گرای، دنیای ذهنی فراگیر اهمیت خاصی دارد زیرا فراگیر، اطلاعات را به درون برده و آنها را به روشهایی پردازش می کند که بازتابی است از نیازها، آمادگی ها، نگرش ها، باورها و احساسات او. ساختن گرای به تولید معنی از تجربه باور دارد. (جوناسن، ۱۹۹۱ به نقل از کدیور، ۱۳۸۶، ص ۹) رویکردهای سازنده گرای (ساختن گرای) وجوه مشترکی با نظریه های رفتار گرای و شناختی دارند از جمله درگیر کردن فعالانه فراگیر در یادگیری و سازماندهی موقعیت ها تا فراگیر بتواند حداکثر اطلاعات را یاد بگیرد. بنابراین فراگیر از افراد برتر یاد می گیرد ولی این آزادی را نیز دارد که دانش خود را به طور متفاوتی بسازد. اگرچه اصول ساختن گرای گاهی مبهم به نظر می رسد و اغلب چگونگی طراحی آموزشی را روشن نمی کند چهارچوب کلی آن قابل استفاده است و بر دامنه گسترده ای از شناخت و باورهای فراگیر تاکید دارد. (کدیور، ۱۳۸۶، ص ۹)